

حمایت و مقاومت (Support & Resistance)

حمایت و مقاومت ارائه دهنده ی نقاط اتصال کلیدی و مهمی هستند که در آنها نیروهای عرضه و تقاضا به هم می رسند. در بازارهای اقتصادی، قیمتها توسط عرضه (بسمت پائین) و تقاضای (بسمت بالا) بیش از حد هدایت می شوند. عرضه با کاهش قیمت ها (Bearish) ، فروشندگان و فروش هم ردیف است ؛ تقاضا با افزایش قیمت ها (Bullish) ، خریداران و خرید همردیف است. این عبارات بطور متناوب در این مقاله یا مقالات دیگر بکار می روند. هرگاه تقاضا افزایش یابد قیمتها بالا می روند و هر گاه عرضه افزایش یابد قیمت ها پائین می آیند. هنگامیکه عرضه و تقاضا برابر هستند، قیمتها نیز همگام با مبارزه ی کند خریداران و فروشندگان به کندی بالا و پایین می روند.

حمایت چیست؟

حمایت سطحی از قیمت است که تصور می شود در آن تقاضا آنقدر قوی است که از سقوط بیشتر قیمت جلوگیری می کند. منطق حکم می کند که هنگامیکه قیمت به سمت سطح حمایت سقوط می کند و ارزان تر می شود، خریداران به خرید راغب تر شوند و فروشندگان تمایل کمتری به فروش پیدا کنند. اعتقاد بر این است که زمانی که قیمت به سطح حمایت میرسد، تقاضا بر عرضه غلبه می کند و از سقوط قیمت به زیر سطح حمایت جلوگیری می کند.



خط حمایت همیشه پایدار نمی ماند و شکسته شدن قیمت به زیر این خط نشان دهنده ی غلبه ی فروشندگان بر خریداران است. سقوط قیمت به زیر این سطح نشان دهنده یک تمایل جدید به فروش و/یا انگیزه ی کمتر برای خرید است. شکست خط حمایت و حسیض های جدید قیمت نشان می دهد که فروشندگان توقعات خود را پائین آورده اند و حاضرند باز هم به قیمت های کمتری بفروشند. بعلاوه خریداران تا زمانی که قیمتها به زیر خط حمایت و کمتر از حسیض قبلی سقوط نکند ، وادار به خرید نخواهند شد. وقتی خط حمایت شکسته شود باید یک خط حمایت جدید در سطح پایین تری ایجاد شود.

سطح حمایت کجا ایجاد می شود؟

معمولا سطوح حمایت پایین تر از قیمت جاری هستند، اما خرید و فروش اوراق بهادار نزدیک به سطح حمایت نیز غیر عادی نمی باشد. تجزیه و تحلیل فنی، یک علم دقیق نمی باشد و گاهی اوقات تعیین سطح حمایت دقیق مشکل است. بعلاوه تغییرات قیمت ممکن است ناپایدار باشد و بعضی اوقات به زیر سطح حمایت سقوط کند. بعضی اوقات منطقی به نظر نمی رسد اگر بخاطر اینکه معامله با قیمت یک هشتم زیر سطح حمایت صورت گرفته است تصور کنیم که خط حمایت شکسته شده است. بدین دلیل برخی از سرمایه گذاران و معامله گران "منطقه حمایت" را تشکیل می دهند.

مقاومت چیست؟

مقاومت سطحی از قیمت است که تصور می شود در آن فروش آنقدر قوی است که از افزایش بیشتر قیمت جلوگیری می کند. منطق حکم می کند که هنگامیکه قیمت بسمت سطح مقاومت بالا می رود، فروشندگان به فروش راغب تر شوند و خریداران تمایل کمتری به خرید پیدا کنند. اعتقاد بر این است که زمانی که قیمت به سطح مقاومت می رسد، عرضه بر تقاضا غلبه می کند و از افزایش قیمت به بالای سطح مقاومت جلوگیری می کند.



خط مقاومت همیشه پایدار نمی ماند و افزایش قیمت به بالای این خط نشان دهنده ی غلبه ی خریداران بر فروشندگان است. افزایش قیمت به بالای این سطح نشان دهنده ی یک تمایل جدید به خرید و/یا انگیزه ی کمتر برای فروش است. شکست خط مقاومت و اوج های جدید قیمت نشان می دهد که خریداران توقعات خود را بالا برده اند و حاضرند بازهم به قیمت های بیشتری بخرند. بعلاوه فروشندگان تا زمانی که قیمت ها به بالای خط مقاومت و بیش از اوج قبلی صعود نکنند و امدار به فروش نخواهند شد. وقتی خط مقاومت شکسته شود باید یک خط مقاومت جدید در سطح بالاتری ایجاد شود.

سطح مقاومت کجا ایجاد می شود؟

معمولا سطوح مقاومت بالاتر از قیمت جاری هستند، اما خرید و فروش اوراق بهادار نزدیک به سطح مقاومت نیز غیر عادی نمی باشد. بعلاوه تغییرات قیمت ممکن است ناپایدار

باشد و بعضی اوقات به بالای سطح مقاومت صعود کند. بعضی اوقات منطقی بنظر نمی رسد اگر بخاطر اینکه معامله با قیمت یک هشتم بالای سطح مقاومت صورت گرفته است تصور کنیم که خط مقاومت شکسته شده است. بدین دلیل برخی از سرمایه گزاران و معامله گران "منطقه مقاومت" را تشکیل می دهند.

روشهای ایجاد حمایت و مقاومت

حمایت و مقاومت مانند تصاویر قرینه در آینه هستند و خصوصیات مشترک زیادی دارند.

اوج ها و حوضیض ها:

حمایت می تواند با استفاده از نقاط عطف پایین قبلی ایجاد شود و مقاومت می تواند با استفاده از از نقاط عطف بالای قبلی ایجاد شود.



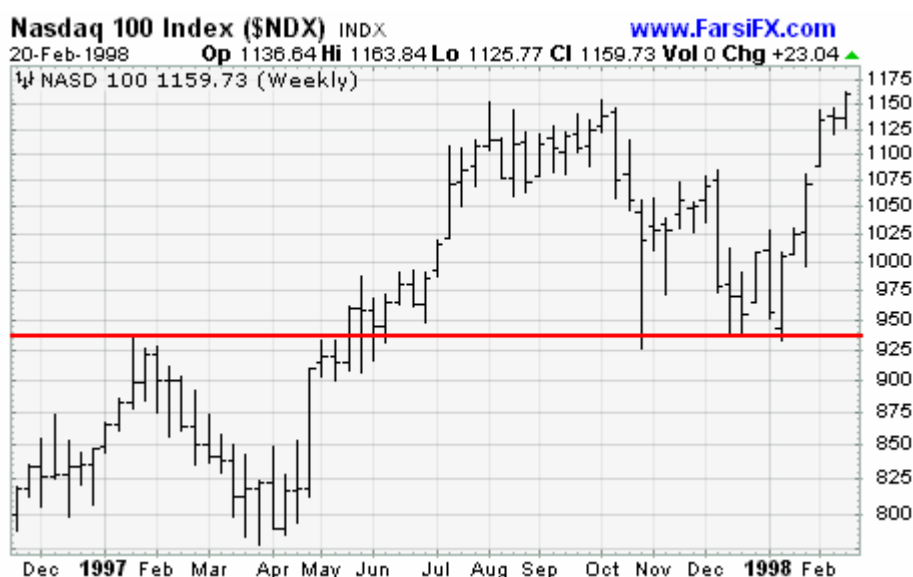
در شکل بالا نمودار HAL نشان دهنده ی یک دامنه ی خرید و فروش بزرگ بین دسامبر ۹۹ و مارچ ۲۰۰۰ است. خط حمایت با استفاده از حوضیض اکتبر در حدود عدد ۳۳ رسم شده بود. در ماه دسامبر قیمت سهام به همان سطح حمایت بین ۳۰ و ۴۰ بازگشت و حوضیضی در حدود ۳۴ را شکل داد. نهایتاً در ماه فوریه قیمت سهام دوباره به همین سطح در حدود ۳۳/۵ برگشت.

بعد از هر کمانه از روی خط حمایت، قیمت سهام تا سطح مقاومت بالا رفت. سطح مقاومت ابتدا با استفاده از شکست خط حمایت در ماه سپتامبر در حدود ۴۴ شکل گرفته بود. بعد از اینکه یک خط حمایت شکسته می شود، می تواند تبدیل به یک خط حمایت شود. از حوضیض های اکتبر، قیمت سهام دوباره تا خط حمایت قبلی که اکنون به خط مقاومت تبدیل شده بود در حدود ۴۴ بازگشت. وقتیکه قیمت سهام از ۴۴ قبلی بالاتر نرفت، صحت سطح مقاومت تعیین شد. قیمت این سهام دوبار دیگر نیز پس از آن تا ۴۴ بالا آمد اما از آن عبور نکرد.

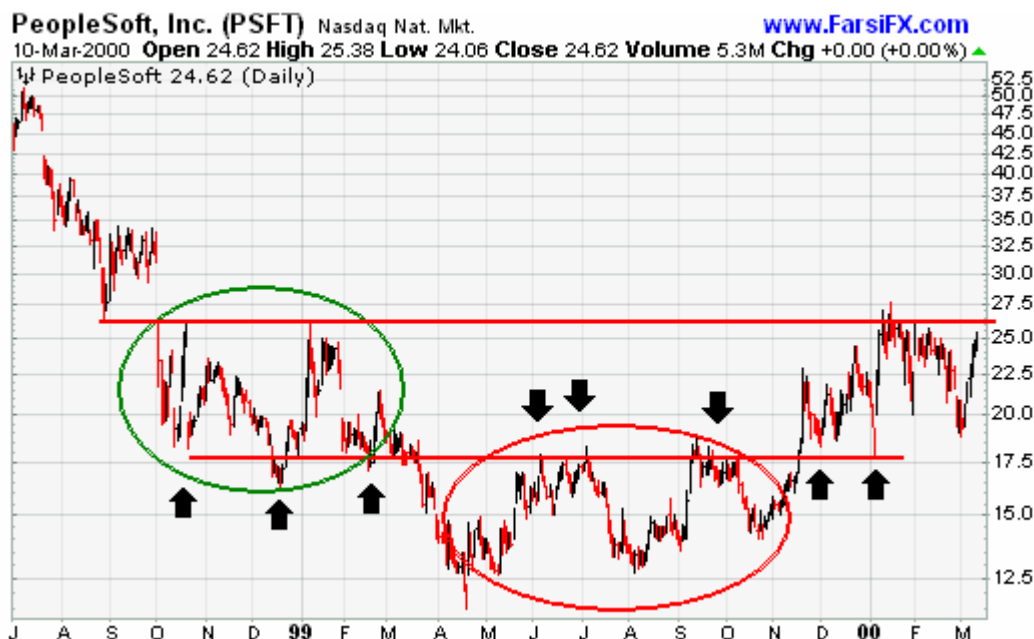
حمایت = مقاومت

یک اصل دیگر تجزیه و تحلیل فنی تصریح می کند که سطح حمایت می تواند به سطح مقاومت تبدیل شود و برعکس. وقتی که قیمت به زیر سطح مقاومت سقوط کند، سطح حمایت شکسته شده می تواند تبدیل به مقاومت شود. شکست حمایت، نشان دهنده ی غلبه ی نیروهای عرضه بر نیروهای تقاضا است. بنابراین اگر قیمت به همین سطح برگردد کاهش عرضه (و بنابراین وقوع مقاومت) محتمل است.

روی دیگر سکه تبدیل مقاومت به حمایت است. صعود قیمت به بالای سطح مقاومت، تغییر در عرضه و تقاضا را نشان می دهد. شکست مقاومت ثابت می کند که نیروهای تقاضا، نیروهای عرضه را در هم شکسته اند. اگر قیمت به همین سطح بازگردد افزایش تقاضا (و بنابراین وقوع حمایت) محتمل است.



در شکل بالا در نمودار CPQ قیمت سهام در ۲۵ نوامبر ۹۹ خط مقاومت را شکست و برای مدت یک ماه درست بر روی این خط معامله شد. توانایی باقی ماندن بالای خط مقاومت عدد ۲۵ را به یک سطح حمایت جدید تبدیل نمود. در نتیجه قیمت سهام تا ۳۴ بالا رفت اما دوباره به ۲۵ بازگشت تا صحت خط حمایت را تأیید کند. بعد از دومین تأیید خط حمایت در ۲۵، این خط بخوبی استقرار یافته است.



در شکل بالا در نمودار PSFT مشاهده می کنیم که خط حمایت می تواند به خط مقاومت و دوباره به خط حمایت تبدیل شود. از اکتبر ۹۸ تا ژانویه ۹۹ عدد ۱۸ خط حمایت بود (بیضی سمت چپ)، اما در مارچ ۹۹ شکسته شد. وقتیکه قیمت سهام دوباره بالا آمد (بیضی سمت راست)، هنوز در عدد ۱۸ افزونی عرضه وجود داشت و از ژانویه ۹۹ تا اکتبر ۹۹ خط مقاومت اتفاق افتاد.

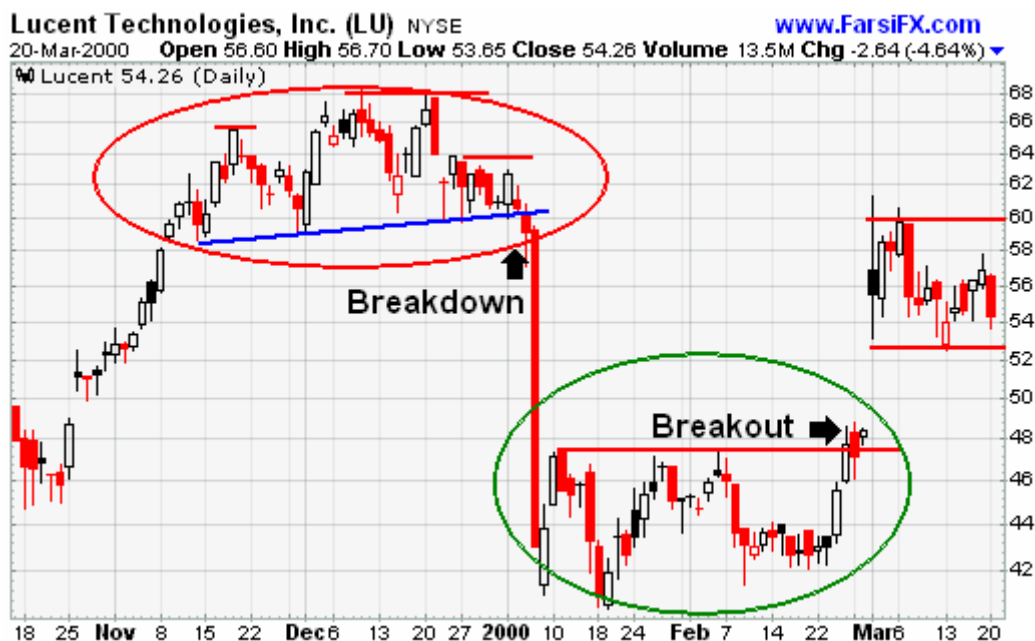
این فزونی عرضه از کجا می آید؟ تقاضا از اکتبر ۹۸ تا مارچ ۹۹ بوضوح در اطراف ۱۸ در حال افزایش بود (بیضی سمت چپ). بنابراین در اطراف ۱۸ تعداد زیادی خریدار وجود داشت. بنابر این وقتیکه قیمت از ۱۸ پائین تر آمد و به حدود ۱۴ رسید، بسیاری از این خریداران هنوز این سهام را در اختیار داشتند. این اتفاق یک افزونگی عرضه (که اصطلاحاً به آن مقاومت می گویند) در اطراف ۱۸ برجای گذاشت و وقتیکه قیمت سهام دوباره از ۱۸ بسمت پائین بازگشت، بسیاری از همین خریداران که در قیمت ۱۸ خرید کرده بودند از این فرصت برای فروش استفاده کردند. وقتیکه این عرضه اضافی تمام شد، تقاضا دوباره بر عرضه فزونی یافت و توانست قیمت را دوباره به بالای مقاومت در ۱۸ برساند.

محدوده ي معامله

محدوده هاي معامله مي توانند نقش مهمي را در تعيين اينکه سطوح حمايت و مقاومت يك نقطه عطف هستند و يا الگوهايي تکرار شديني ايفا مي کنند . محدوده ي معامله يك دوره زماني است که در آن قیمت ها در يك دامنه ي نسبتاً محدود تغيير مي کنند. اين نشان مي دهد که نیروهاي عرضه و تقاضا با هم در تعادل هستند. وقتي که قیمت از اين محدوده خارج شود ، بالا يا پائين رود ، بدین معني است که يك برنده پيدا شده است. اگر بالاتر رود يعني خریداران (تقاضا) و اگر پائين تر رود يعني فروشندگان (عرضه) برنده شده اند.



بعد از افزایش سریع سهام از ۲۷ تا ۶۴، WCOM برای ۵ ماه وارد یک محدوده ی معامله شد. در اواسط جون یک افزایش کاذب رخ داد که در طی آن قیمت سهام برای مدت کوتاهی از ۶۲ بالاتر رفت (بیضی قرمز). اما این افزایش دیري نیابید و چند روز بعد افت قیمت تاثیر آن را خنثی کرد (پیکان خاکستری). پس از آن قیمت سهام به کاهش خود ادامه داد تا در آگوست ۹۹ خط حمایت را در ۵۵ شکست و به ۵۰ رسید. کمانه ی قیمت از روی ۵۵ برای دو مرتبه ی دیگر پیش از ارزانتر شدن آن مثال دیگری از تبدیل خط حمایت به خط مقاومت است. اگر چه این اتفاق همیشه نمی افتد، اما ورود به یک سطح مقاومت جدید فرصت خوبی است برای خریداران قبلی که بفروشدند و خریداران جدید که وارد میدان شوند.



در نوامبر / دسامبر ۹۹، LU يك محدودہ ي معامله شكل داد كه شبیه الگوي ”سر و شانه“ بود (بيضي سمت چپ). هنگاميكه قيمت سهام سطح حمايت را در ۷۲/۵ شكست و سقوط كرد، فرصت چنداني براي خروج نمانده بود. هر چند وجود يك شمعدان بلند سياه نشان دهنده ي يك آغاز جديد در (۷۱ ۱۳/۱۶) است اما قيمت سهام با چنان سر عتي سقوط كرد كه خروج بالاي ۵۵ غير ممكن بود. اگر خط حمايت را به سمت بالا (خط آبي) مي كشيديم، در ۷۳/۵ مي شكست. اين نقطه فقط يك واحد بالاتر است و يك معامله گر مي بايست فوراً وارد عمل شود تا از يك سقوط شديد جلوگیری کند. هنگام رسم خطوط حمايت در نظر داشته باشيد كه حضيض ها با خط آبي بهتر جور مي شوند.

بعد از سقوط LU، براي دو ماه يك محدودہ ي معامله بين ۵۱ و ۵۸ تشكيل شد (بيضي سمت راست). سطح مقاومت اين محدودہ به خوبي با سه نقطه عطف بالا در ۵۸ مشخص شده بود. اگرچه سطح حمايت به خوبي مشخص نبود اما به نظر مي رسيد بين ۵۰ و ۵۱ باشد. از اواسط تا اواخر فوریه علاقه به خريد در حول و حوش ۵۳ نمايان شد. به رديف شمعدان ها با سايه هاي بلند پاييني، يا اصطلاحاً چکش ها، توجه كنيد. پس از اين، سهام در ۲۴ و ۲۵ فوریه دو جهش بلند داشت و بالاي خط مقاومت به فروش رسيد. اين يك مثال مشخص از غلبه تقاضا بر عرضه بود. اما هنوز براي اقدام دو روز ديگر فرصت باقي بود. در روز سوم بعد از Breakout افزايش قيمت سهام به بيش از ۷۰ رسيد.

مناطق حمايت و مقاومت (Support and Resistance Zone)

از آنجا كه تجزيه و تحليل فني علم دقيقی نيست، بعضي اوقات تشكيل مناطق حمايت و مقاومت مفيد است. اين مخالف استراتژي مورد استفاده در مورد LU است، اما گاهي اوقات کاربرد دارد. اوراق بهادار مشخصات خاص خود را دارد و تحليل آن بايد پيچيدگي هاي آن را مشخص سازد. گاهي اوقات خطوط دقيق بهترين انتخابند و بعضي اوقات مناطق حمايت و مقاومت بيشتر به كار مي آيند. معمولاً هرچه محدودہ كوچكتر باشد، سطح دقيقتر است. اگر محدودہ ي معامله كمتر از دو ماه دوام آورد و تغيير قيمت نيز نسبتاً كم باشد، سطوح حمايت و مقاومت دقيقتر کاربرد دارد. اگر محدودہ ي معامله چندين ماه ادامه يابد و تغييرات قيمت نيز نسبتاً زياد باشد، احتمالاً بهتر است از مناطق حمايت و مقاومت استفاده نمود. اين نکات فقط راهنمايي هاي كلي هستند و هر محدودہ ي معامله بايد با شرايط خودش قضاوت شود.



با بازگشت به مثال HAL, می بینیم که اوج محدوده ی معامله (۳۳ تا ۴۴) در نوامبر بیش از ۲۰٪ از حوض قبلی فراتر رفته, و بدین ترتیب محدوده ی بزرگی را نسبت به قیمت پدید آورده است. از آنجایی که شکست قیمت در ماه سپتامبر نخستین سطح مقاومت را پدید می آورد, پس از شکل گیری اوج قیمت در نوامبر, حوالی اوایل دسامبر می توانیم یک منطقه ی مقاومت تشکیل دهیم. اگرچه در این هنگام, هنوز مطمئن نیستیم که آیا محدوده ی معامله ی بزرگی شکل می گیرد یا نه. حوض بعدی در ماه دسامبر, که کمی بالاتر از حوض ماه اکتبر بود, شاهدهی است بر تشکیل یک محدوده ی خرید و فروش و اینکه ما می توانیم یک منطقه ی حمایت تشکیل دهیم. تا زمانی که سهام در محدوده ی مرزبندی شده توسط مناطق حمایت و مقاومت معامله می شود, محدوده ی معامله را معتبر می دانیم. می توان به سطح حمایت بعنوان فرصتی برای خرید و به سطح مقاومت بعنوان فرصتی برای فروش نگریست.

نتیجه گیری

تشخیص سطوح کلیدی حمایت و مقاومت یک جزء اساسی تحلیل فنی موفقیت آمیز است. اگرچه گاهی اوقات تعیین خطوط دقیق حمایت و مقاومت مشکل است اما آگاهی از وجود و موقعیت آنها توانایی تحلیل و پیشگویی را به شدت بهبود می بخشد. اگر قیمت اوراق بهادار به یک سطح حمایت مهم نزدیک می شود, باید آنرا به عنوان یک هشدار برای توجه مضاعف به نشانه های افزایش فشار خرید و یک تغییر روند بالقوه تلقی نمود. اگر قیمت اوراق بهادار به یک سطح مقاومت نزدیک می شود, باید آنرا بعنوان یک هشدار برای توجه مضاعف به نشانه های افزایش فشار فروش و یک تغییر روند بالقوه تلقی نمود. شکسته شدن یک سطح حمایت و مقاومت نشانه ی تغییر رابطه ی بین عرضه و تقاضا است. شکسته شدن خط مقاومت نشان- دهنده ی پیروزی تقاضا (خریداران) و شکسته شدن خط حمایت نشان دهنده ی پیروزی عرضه (فروشنندگان) است.